



کتاب ادوار فقه

منوچهر دین پرست

موضوع این کتاب، تحول فقه و ادوار آن است. از عصر قدما تا کنون بسیاری از نظریات فقهی مطرح شده است و فقه دوره‌های بسیاری طی کرده است. راویان و فقیهان از روزگار ائمه معصومین (ع) با راهنمایی آنان شروع به آموختن قواعد استنباط کردند و از این رهگذر در همان روزگار احکام فقهی و فقهای کارآمدی پدید آمدند.

مؤلف در سرآغاز آن کتاب، بحثی دربارهٔ قانون مطرح کرده و اینکه اعتبار اصل وجود قانون چه ارزشی دارد و دارای چه درجه و مقامی است. او می‌گوید «قانون به طور کلی از اموری است که پس از اینکه نبوده به هستی رسیده و به اصطلاح از چیزهایی است که وجود آن حادث است. پس به حکم این حادث بودن به علت نیاز دارد و موجودات حادث در عالم طبیعت

در قالب چهار علت قابل تصور است: مادی، صوری، فاعلی، غایی.^۱ مؤلف این چهار علت را به طور تفصیل بررسی و تبیین کرده و برای هر یک شاهد مثالهایی آورده است. تعریف هر فن و تعیین موضوع و تبیین نتیجه و غرض آن پیش از شروع به مسائل آن فن گرچه به طور عموم مهم و لازم شمرده می شود لکن در خصوص فن تاریخ ادوار فقه، ایراد سه امر یاد شده مهمتر و لزوم آن مؤکد است. شناختن ادوار فقه موکول است بر این که، پیشتر لفظ «فقه» به حسب لغت، شرع و اصطلاح فقهاء معلوم باشد تا منظور از عنوان ادوار فقه روشن شود. فقه در لغت به معنی فهم است و در محاورات و عبارات به معنی فهم دقایق نیز آمده است. در صدر اسلام فقه به دو معنی اطلاق شده است:

۱ - معنی لغوی: ^۲ لفظ فقه به این معنی در مواردی زیاد در قرآن و اخبار بکار رفته است. *أَنْظُرُ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ*، سوره انعام آیه ۶۵، همچنین آیه *قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُفْقَهُونَ* سوره انعام آیه ۹۸.

۲ - معنی بصیرت در دین: ^۳ خواه در قسمت اصول دین باشد یا در فروع آن گرچه بیشتر در خصوص بصیرت به اصول دین بکار رفته است شاید لفظ فقه در آیه ۷۸ از سوره النساء *فَمَا لِهَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا*، با در نظر گرفتن صدور و ذیل آن، به همین معنی بکار رفته است. فقه به حسب اصطلاح فقیهان به عباراتی مختلف تعریف شده که از میان آن تعاریف عبارت علم به احکام شرعی از ادله تفصیلی آنها...^۴ شهرتی بیشتر نصیب شده است.

لفظ فقه برای قوانین عملی اسلامی اصطلاح شده و می توان گفت:

۲- همان، صفحه ۳.

۱- ادوار فقه، صفحه ۱.

۴- همان، صفحه ۳۶.

۳- همان، صفحه ۳۱.

همانطور که حقیقت قانون به معنی اعم در جهان تطوراتی یافته و به تحولاتی دچار شده است، فقه نیز به پیروی از معنی، از جنبه لفظی هم در دین مقدس اسلام ادواری طی کرده و تبدلانی نصیب آن شده به طوری که گویا تابشی از حقیقت بر قالب آن لفظ که فقه باشد انعکاس یافته و بر اثر آن این لفظ در ادواری متعاقب استعمالاتی متفاوت به هم رسانده است. لفظ فقه در عبارت «تاریخ ادوار فقه» به هیچ یک از دو معنی که برای فقه گفته شده نیست. پس ناگزیر معنی ثالثی باید در نظر گرفته شود که از دو معنی یاد شده اعم باشد تا همه احکام عملی را به لحاظ تمام ادوار آنها، شامل دوره صدور و دوره استنباط گردد. بنابراین تاریخ ادوار فقه عبارت است از: علم به گذشته احکام عملی اسلامی از حیث صدور و عوارض و از حیث استنباط و لوازم و مناسبات آن.^۱ موضوع این فن احکام فرعی اسلام است از حیث ادوار و تطورات و علل و موجبات آن تحولات. علم به چگونگی ادوار فقه فواید بسیاری دارد. برخی از آن عبارتند از: ۱. علم اجمالی به تکالیف و احکام، ۲. علم تفضیلی به مناسبات صدور احکام، ۳. آگاهی از چگونگی تحقق یا عدم تحقق اجماع، ۴. اطلاع از تفقه در دوره‌های اولیه اسلام، ۵. علم به مذاهب اصلی و مهم فقهی و زمان حدوث و معرفت مؤسس و زعیم آنها، ۶. توجه به جهاتی که در مقام تعدیل و ترجیح اقوال مختلف سودمند باشد.^۲ تاریخ ادوار فقه به طور طبیعی دو مرحله دارد: ۱. دوره تشریح یا دوره صدور احکام، ۲. دوره تفریع یا دوره استخراج و استنباط احکام.

۱ - دوره تشریح: صدور احکام این دوره در زمان نبوت پیامبر، یعنی از آغاز بعثت تا زمان رحلت است. پس جستجو و تحصیل صدور احکام این دوره

۲- همان، صفحه ۴۲.

۱- ادوار فقه، صفحه ۴۰.

۳- همان، صفحه ۶۵.

بیست و سه ساله پیامبر بوده است. اکنون باید دانست که چون دوره زندگی پیامبر بعد از بعثت دو مرحله داشت، یعنی مدتی را در مکه و مدتی را در مدینه سپری نمود و در هر یک از این دو مرحله احکامی صدور یافته مانند آیات و سوره‌های شریفه قرآن، که مبدأ و مرجع احکام است، به این اعتبار به مکی و مدنی انقسام یافته و مناسب است که برای احکام در دوره صدور آنها نیز این دو قسمت، رعایت شود. پس دوره صدور این احکام از بعثت تا هجرت و از هجرت تا رحلت است. در این دوره آیات مبارکه قرآن بر پیامبر نازل گردید و پس از آن جبرئیل کیفیت وضوء و نماز را به پیامبر آموخت و اوقات پنج گانه آن را تعیین کرد.

مؤلف کتاب، اتفاقات تاریخی زمان پیامبر را در این بخش می آورد، مانند: اولین کسانی که به اسلام روی آوردند، اولین نمازگزاران، هجرت عده‌ای از مسلمانان به حبشه و ... همچنین مؤلف برخی از احکام را که در سوره‌های مکی است مطرح می نماید و به کتاب تاریخ یعقوبی استناد می جوید. ابن عباس روایت کرده که: هشتاد و دو سوره از قرآن مجید در مکه نازل گردیده و نخستین آیه‌ای که نازل شد *اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ* بوده است.^۱ حکم مهاجرت مسلمانان از مکه به مدینه، چنانکه در آغاز بحث از دوره هجرت دانسته خواهد شد، شاید آخرین حکمی باشد که در مکه صادر گردیده است. از فصول دیگر این بخش عبارتند از: الف) از هجرت تا رحلت: در این مدت مشرکان قریش با یکدیگر عهد بستند که به آزار و اذیت پیامبر و یاران او پردازند و آنها را به مدت سه سال در شعب ابی طالب محصور نمودند. در این زمان بود که پیامبر، ابوطالب عمویش و خدیجه همسرش را از دست

داد. همچنین تشکیل شورایی به نام دارالتدوین برای قتل پیامبر، و خروج پیامبر از مکه و حرکت به سوی مدینه و برگزاری اولین نماز در مدینه می‌باشد.^۱ (ب) احکام صادر در مدینه: به طور کلی، به استثناء چند حکمی که قبل از هجرت در مکه صادر گردید، کلیه احکام فقهی در مدینه تشریح شد. از احکامی که در مدینه صادر شد می‌توان به این احکام اشاره کرد: حکم دیه و قصاص، حکم میراث، کیفیت اذان، روزه، حج، جهاد، غزوات و غنایم و همچنین احکام حد سارق، زکوة، حکم ربا و ...^۲ (ج) ختام دور صدور: منظور از تأسیس عنوان دور صدور و بحث درباره آن، این بود که آنچه از احکام صادره از لحاظ زمان و مناسبات صدوری روشن باشد در اینجا نقل شود. اما تمام احکام اسلام در همان دوره رسالت صادر گردیده و اصول آنها در سوره‌های قرآن مجید اندراج یافته و تفصیل و فروع آنها در سنت بیان گردیده است.^۳

۲- دوره تفریع یا دوره استنباط: دوره تشریح و صدور آن که مدت بیست و سه سال طول کشید و با رحلت پیامبر پایان یافت و راه وحی احکام انسداد پذیرفت. در این مدت خداوند کلیه احکام را بر قلب پاک پیامبر نازل می‌کرد و آن احکام در آن زمان به مردم ابلاغ می‌گردید و از آن پس نوبه آن رسید که جزئیات و فروع آنها که مورد توجه و محل نیاز و ابتلاء می‌گردد استخراج و استنباط شود، پس برای فقه دوره‌ای دیگر پدید آمد و آن اصول ثابت در این دوره رو به نمو نهاد و شاخ و برگ آنها افزایش یافت و بار آنها در همه اقصاء عالم و در تمام شئون حیات استفاده شد. در دوره صدور، مدرک اولیه استنباط برای دوره‌های بعد که از زمان رحلت آغاز یافته و به انقراض بشر و

۱- ادوار فقه، صفحه ۹۴.

۲- همان، صفحه ۱۱۹.

۳- همان، صفحه ۳۷۲.

۴- همان، صفحه ۳۸۲.

انقضاء عالم، فرجام و اختتام می‌یابد تهیه گردید و در حقیقت آغاز تحول فقه پس از صدور آن مدارک به تحقق پیوسته و ادوار فقه از انقضاء آن دوره به میان آمده است. دوره تفریع و استنباط به طور کلی به چهار عصر تقسیم می‌گردد: ۱ - عهد صحابه، ۲ - عهد تابعان تا زمان غیبت صغری، ۳ - عهد نواب تا غیبت کبری، ۴ - عهد غیبت کبری تا عصر حاضر (قرن ۱۴ هجری). از این چهار عهد فقط عهد دوم و چهارم شایسته است که به اعصاری منقسم گردد بدین قرار که عهد دوم به دو عصر: ۱ - تا زمان صادقین (ع) (۱۸۴ هجری)، ۲ - از زمان بعد از حضرت صادق (ع) تا زمان غیبت صغری (۲۶۰ هجری) و عهد چهارم به چهار عصر تقسیم می‌شود: ۱ - از آغاز غیبت کبری (۳۲۹ هجری) تا زمان شیخ طوسی (۴۶۰ هجری)، ۲ - از عصر شیخ طوسی تا عصر علامه حلی (۷۲۶ هجری)، ۳ - از عصر علامه حلی تا عصر آقا باقر بهبهانی (۱۲۰۸ یا ۱۲۰۶ هجری)، ۴ - از عصر آقا بهبهانی تا زمان حاضر (۱۳۶۶ هجری).^۱

در کتب برای رجال فقه و حدیث چند گونه طبقه بندی آورده شده که چون ممکن است برای کسانی که از آن طبقه بندیها اطلاع داشته باشند در این مقام این توهم پیش آید که در دوره تفریع شایسته بود به آن طبقه بندیها توجه می‌شد و تقسیم این دوره طبق یکی از آن طبقه بندیها به عمل می‌آمد. از این رو برای نمونه سه گونه از آن طبقه بندیها نقل می‌شود: ۱ - ابن حجر عسقلانی (متوفی ۸۵۲ هجری) طبقات فقهاء و رواة را در کتاب «التقريب» خود دوازده طبقه قرار داده است. ۲ - شیخ عبداللطیف عامل طبقات و فقهاء را شش طبقه ذکر می‌کند. ۳ - ملا محمد تقی مجلسی اول (متوفی ۱۰۷۰ هجری) در شرح

مَشِيخَه کتاب «فقیه من لایحضر الفقیه» دوازده طبقه ذکر نموده است.^۱ مؤلف پس از طرح طبقات اشکالاتی بر آن وارد می‌دارد زیرا از لحاظ این فن هیچ یک از آنها وافی به غرض نیست بلکه در تاریخ ادوار فقه، همه آن سنخ طبقه‌بندیها از نظری زائد و از نظری دیگر ناقص می‌باشد: «زائد است برای اینکه در یکان یکان از آن طبقات برای فقه تحولاتی تازه پدید نیامده تا هر یک از آنها عهد یا عصری برای ادوار فقه قرار داده شود. ناقص است برای اینکه غالب این طبقه‌بندیها تا قرن پنجم پایان یافته و از آن حد تجاوز نکرده است در صورتی که برای فقه، به اعتبار تفقه، بعد از قرن پنجم نیز تطوّراتی رخ داده است.»^۲ پس از این مطلب مؤلف برای بررسی و تفحص از چگونگی فقه در عهد اول که عهد صحابه است خود را به آن زمان نزدیک ساخته و اوضاع و احوال آن عهد را از لحاظ فقه، مورد نظر و توجه قرار می‌دهد.

الف) عهد اول یا عهد صحابه:^۳ صحابه به حسب اصطلاح بر کسانی که در حال اسلام مدتی طولانی، به ملاقات پیامبر مشرف بوده و حفظ حدیث از آن حضرت کرده و به حال ایمان از دنیا رفته‌اند اطلاق می‌گردد. «اما عده صحابه را صد و چهارده هزار صحابی ذکر کرده‌اند، ابن حجر عسقلانی کتاب التقریب»^۴ همچنین مؤلف اتفاقاتی که راجع به فقه در دوره خلیفه اول رخ داده می‌پردازد: در دوره خلافت ابوبکر سه امر حادث گردید:

۱- جمع آوری قرآن: قرآن مجید به یکبار نزول نیافته بلکه به تدریج در ظرف ۲۳ سال نازل گردید. اشخاص زیادی آیات را حفظ می‌نمودند و عده‌ای بر پوست درخت و سنگهای صیقلی و استخوانهای عریض می‌نوشتند و در محل مخصوص می‌نهادند. بعد از رحلت پیامبر نخستین کسی که به

۲- همان، صفحه ۳۸۸.

۱- ادوار فقه، صفحه ۳۸۴.

۴- همان، صفحه ۳۹۲.

۳- همان، صفحه ۳۹۰.

جمع‌آوری و تألیف قرآن اقدام کرد امام علی (ع) بود.^۱

۲- استناد به سنت: سنت در لغت به معنی شیوه و روش است. چنانکه در مواردی از قرآن مجید از قبیل آیه *وَلَكِنْ تَجَدَّ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا* به همین معنی آمده است و در اصطلاح علماء درایه و در استعمالات علماء فقه و اصول بر قول و فعل تقریر پیامبر یا به امام اطلاق می‌گردد. در این قسمت از کتاب مؤلف به قضایا و اتفاقات بعد از پیامبر که به سنت تعبیر شد می‌پردازد و آنها را به طور تفصیل شرح می‌دهد.^۲

۳- رأی و عمل به آن به دو معنی اطلاق می‌گردد: ۱- اینکه کسی از پیش خود و به فکر شخص خویش بی‌آنکه به اصول و قواعد و کلیات احکامی که از شارع مقدس صادر شده توجه و نظری داشته باشد حکمی کلی یا جزئی مقرر و عمل به آن را مسلم دارد، ۲- اینکه نسبت به مواردی خاص حکمی مخصوص در دست نباشد که به طور صریح بر آن منطبق و صادق آید. پس به استناد روح تکالیف و احکام و رعایت کلیات دستورها و توجه به مصالح مرسل برای آن، حکمی استنباط و معین گردد.^۳

ب) موارد اختلاف در عهد صحابه: ^۴ همچنین نمونه‌هایی از موارد اختلاف احکامی در عهد صحابه به عصر پیامبر نقل می‌شود. مانند: مسئله طلاق، مسئله متعه حج و نساء (تحریم متعه از احکام خلیفه دوم است) اسقاط یا افزایش یک جمله بر جمله‌های اذان و....

ج) پدید آمدن عنوان فقهات: ^۵ در عهد پیامبر تمام توجه به قرآن مجید و تعلیم و تعلم آن می‌بوده و دانشمندان اسلامی در آن عصر کسانی بوده‌اند که

۱- ادوار فقه، صفحه ۳۹۸.

۲- همان، صفحه ۴۰۳.

۳- همان، صفحه ۴۲۳.

۴- همان، صفحه ۴۵۲.

۵- همان، صفحه ۴۷۲.

قرآن مجید را قرائت و اِقرأ می‌کردند. از این رو در آن عهد عنوان قاری برای ایشان مناسب‌تر می‌نمود. لیکن به حقیقت همان اشخاص به منزله فقیهان عهد بعد باید به شمار آیند و به عبارتی دیگر آن عنوان است که سیر تکامل کرده و به عنوان فقیه تبدیل یافته است. لفظ فقیه به معنی دانایی احکام و تکالیف فرعی در عهد صحابه بر اشخاصی چند اطلاق می‌شود. پس در حقیقت این عنوان کم و بیش از آن عهد استعمال شده و کسانی در همان عهد بدین عنوان یاد گردیده‌اند.

د) خصوصیات عهد صحابه: ۱ - آسان بودن تفقه در عهد صحابه، ۲ - مسائل مورد ابتلاء در عهد صحابه، ۳ - در موارد اختلاف شخصی بوده که بر عظمت علمی او اتفاق بوده است، ۴ - عمل به رأی و استشاره، ۵ - تألیف کتاب در عهد صحابه، ۶ - تفقه و استنباط، ۷ - در عهد صحابه در صورت ظهور اشتباه و خطا، منصفانه بدان اعتراف می‌شد، ۸ - اطلاق کلمه اجتهاد در عهد صحابه بر نظیر معنی مصطلح آن مفهوم، ۹ - ممنوع شدن اشخاص از افتاء یا محدود شدن فتوی، ۱۰ - پیدا شدن خوارج و فقه و فقهاء ایشان.

در جلد دوم کتاب، پس از یک سرآغاز نسبتاً کوتاه که مشتمل بر بیان هدف عالی قرآن مجید و روش بیان احکام در قرآن و طبقه‌بندی آیات احکام است، مقدمه‌ای درباره ابواب فقه و کتب فقهی مطرح می‌گردد. «ابواب فقه، به طور کلی بر چهار قسمت محصور گشته است: عبادات، عقود، ایقاعات، احکام و سیاسات.»^۲ مسائل فقهی یا به امور آخرت برمی‌گردد و این قسم عبادات است؛ یا به امور دنیا برمی‌گردد و در این صورت یا به عبارات و لفظ نیاز دارد یا نه. آنکه نیاز دارد اگر نیاز از دو طرف باشد قسم عقود است مانند

بیع و صلح و دیگر عقود و اگر از یک طرف کافی باشد قسم ایقاعات است مانند طلاق؛ و اگر از اصل، نیازی در آن به عبارات و لفظ نباشد قسم احکام و سیاسات است (جزئیات اسلام - حدود و دیات). به هر حال هر قسم از این چهار قسم را کتابهایی است که هر کتاب را بر مقاصد و فصول و بیان مؤلفان، تقسیم کرده‌اند که در حقیقت عنوان کتاب به منزله عنوان جنس است برای انواع و اصناف و فروع که به منزله اشخاص و جزئیات به شمار می‌آید. اما پیش از مطرح کردن کلیات کتاب مناسب است مطلبی ذکر گردد، مؤلف ادوار فقه بر هر کتاب از مسائل فقهی آیاتی که قابل استناد فقهی و استدلال به حکم فرعی باشد نقل نموده و گاهی هم که لازم افتد از بعضی از کتب دیگر عقیده و مذهب یا طرز استدلال و احتمالی وابسته به آن آیه را آورده است. مثلاً برای کتاب طهارات دوازده آیه و کتاب امر به معروف و نهی از منکر سه آیه و یا کتاب ایمان و نذر، به هشت آیه استناد نموده است. قسم اول عبادات ده کتاب، قسم دوم عقود پانزده کتاب، قسم سوم ایقاعات یازده کتاب و قسم چهارم احکام و سیاسات دوازده کتاب است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نقدی بر کتاب ادوار فقه

نویسنده کتاب که خود از مدرسان فقه است به تألیف این کتاب اهتمام ورزیده و سعی کرده کتابی جامع و کامل فراهم آورد و در این راه از مجتهدان و مراجع تقلید و همچنین منابع و کتابهای بسیاری نیز استفاده نموده است. کتاب دارای ابواب بسیاری است و مؤلف برای هر کدام از آنها در حد امکان بررسی و کنکاش نموده است. از آنجا که این کار علمی برای نویسنده دشواریهایی به همراه داشته (همان طور که خود مؤلف مطرح می‌کند ص ۵) در بعضی از موارد نواقصی نیز به همراه داشته است. می‌توان به تعدادی

از احکام صادره که بسط و شرح داده نشده است اشاره کرد. همچنین در جلد دوم برای احکام صادره فقط به شاهد آوردن تعدادی از آیات قرآن اکتفا کرده است. اما نویسنده تلاشی وافر نموده است تا کتاب فقهی جامعی را به نگارش در آورد. از مواردی که می توان تلاش نویسنده را ستود این است که وی هرگاه مطلبی را از کتابی نقل نموده که آن جنبه مذهبی منحرف و متعصب بوده فقط برای آن نقل نموده که آن امر در دوره های تاریخی فقه اتفاق افتاده است. در زمینه منقولات نیز سعی نموده نظرات شخصی خود را اعمال نکند و با رعایت امانت و اختصار آنها را مطرح کند. دیگر آنکه اگر مطلبی چند مأخذ داشته که یکی از آنها پارسی بوده غالب اوقات همان پارسی را مأخذ قرار داده است. مجموع آیات منقوله در مجموع بابهای کتاب بالغ بر ۴۵۰ الی ۵۰۰ آیه می باشد. مؤلف از نثر مصنوع و متکلف پرهیز نموده و به نثری سلیس و روان اکتفا کرده است. در حاشیه صفحات کتاب خلاصه ای از متن به طور اختصار مطرح شده است. از منابع تحقیقی که مؤلف به آن رجوع کرده می توان به قرآن مجید، بحار الانوار، مکاسب شیخ انصاری، تاریخ و تفسیر طبری، تاریخ یعقوبی، سیره ابن هشام، احیاء العلوم غزالی، مناقب ابن شهر آشوب، فقیه من لا یحضر الفقیه اشاره کرد.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی